

خیلواکی



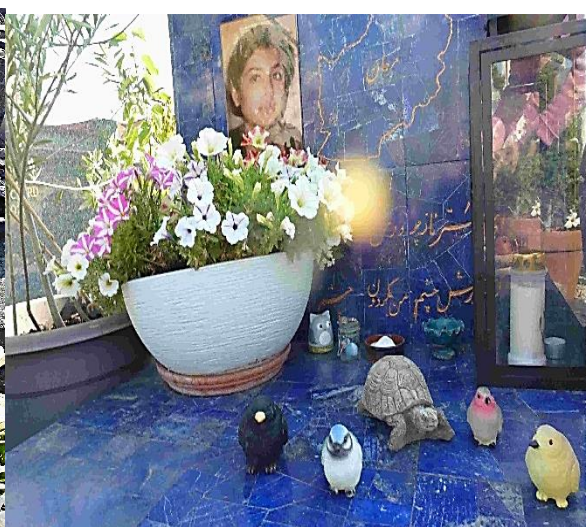
استقلال

www.esteqlaal.net

پنجشنبه ۲۳ جولای ۲۰۲۶

تهیه و ترتیب: فریده نوری

اینجا کسیست پنهان



خود را سپس کشیده، پیشان من گرفته
باغی به من نموده، ایوان من گرفته
اما فروغ رویش، ارکان من گرفته
شرین شکر فروشی دکان من گرفته
سوداگری ست موزون میزان من گرفته
من خوی او گرفته، او آن من گرفته
بنگر خیال خوبش مژگان من گرفته
تا درد عشق دیدم، درمان من گرفته

این جا کسی ست پنهان، دامن من گرفته
این جا کسی ست پنهان چون جان و خوش تر از جان
این جا کسی ست پنهان همچون خیال در دل
این جا کسی ست پنهان مانند قند در نی
جادو و چشم بندی، چشم کسش نبیند
چون گل شکر، من و او در هم دگر سرشته
در چشم من نیابند، خوبان جمله عالم
من خسته گرد عالم، درمان ز کس ندیدم

در بحر ناامیدی از خود طمع بریدی
بشکن طلسم صورت، بگشای چشم سیرت
من دامنش کشیده کای نوح روح دیده
تو تاج ما و آنگه، سر های ما شکسته
گویند ز گریه بگذر، زان سوی گریه بنگر
یاران دل شکسته بر صدر دل نشسته
تبریز شمس و دین را بر چرخ جان بینی

زین بحر سر برآری "مرجان" من گرفته
تا شرق و غرب بینی سلطان من گرفته
از گریه عالمی بین، طوفان من گرفته
تو یار غار، آنگه یاران من گرفته
عشاق روح گشته، ریحان من گرفته
مستان و می پرستان میدان من گرفته
اشراق نور رویش، کیهان من گرفته

